

امکان تدبر موضوعی در قرآن کریم برای عموم مردم

علی‌رضا لکزایی^۱، ابوالقاسم عاصی مذنب^۲، محمدرضا شایق^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۲/۳۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۸/۲۶)

چکیده

خداوند برای هدایت همهٔ افشار مردم تنها یک قرآن نازل کرده و همگان را مکلف به تدبر در آیات آن اعم از ترتیبی یا موضوعی نموده است. برخی محققان تحقیق و تدبر موضوعی در قرآن را مختص عالمان و مفسران ذکر کرده‌اند. این پژوهش با جست‌وجو در روایات معصومان^(ع) به ذمراتب بودن معارف قرآن اشاره کرده است؛ سپس دلایل قابل فهم بودن ظاهر قرآن کریم برای همگان را برشمرده و با در نظر داشتن هدف از نزول قرآن - هدایت عموم مردم - و عام بودن وظیفهٔ تدبر در قرآن، انجام تدبر موضوعی توسط افراد غیرمتخصص را - با کسب مقدمات لازم - امکان‌پذیر می‌داند. ارتباط مستمر و انس با آیات قرآن موجب افزایش اطلاعات دایره‌المعارف قرآنی قاری می‌گردد و وی را قادر می‌سازد با مدد گرفتن از نرم‌افزارهای قرآنی و جست‌وجوی کلیدواژه و جست‌وجوی موضوعی در معاجم الفاظ و اعلام، در ظاهر قرآن کریم تدبر موضوعی داشته باشد. آموزش و ترویج روش صحیح تدبر موضوعی به عموم، انجام این فریضهٔ همگانی را تسهیل می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: امکان تدبر موضوعی، انس با قرآن، تدبر موضوعی، عموم مردم، فهم قرآن.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد یزد، (نویسندهٔ مسئول)؛

Email: a_lakzaee@yahoo.com

Email: Moznab1@iauyazd.ac.ir

Email: shayegh.mr@gmail.com

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی یزد؛

۳. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه یزد؛

۱. بیان مسئله

نحوه چینش آیات در سوره‌ها و ترتیب سور در مصحف شریف، حکیمانه است و از قاعده معینی تبعیت می‌نماید، اما به نحوی نیست که موضوعات را تحت عنوانی مشخص در یک‌جا طرح نموده باشد. خداوند حکیم یک موضوع و حتی یک حادثه را در سوره‌های مختلف و از زاویه‌های گوناگون بررسی نموده است؛ لذا برای یافتن دیدگاه نهایی قرآن راجع به هر موضوع، می‌بایست نگرشی جامع و هماهنگ به آیات پیرامون آن موضوع داشت. عدم رعایت این مهم موجب بروز تصور اختلاف و ناهماهنگی در قرآن می‌شود. از این‌رو برخی بر این باور هستند که لازمه تدبر موضوعی در قرآن کریم، احاطه کامل بر آیات آن است. از دیدگاه ایشان با گردآوری آیات هم‌مضمون از طریق کلمات هم‌خانواده و معجم‌المفهرس نمی‌توان به تمام آیات مربوط به هر موضوع دسترسی پیدا کرد، لذا موجب تتبع ناقص خواهد شد و نتایج حاصله، بیانگر نظر جامع قرآن کریم نخواهد بود [نک. ۶، ص ۲۹۱؛ ۱۶، ص ۱۱۱ و ۱۴۶؛ ۳۹، ص ۵؛ ۴۱، ص ۱۶۲؛ ۵۴، ص ۲۰]. از طرفی، تنها عده معدودی از محققان، راهکار عملی تدبر موضوعی را به همگان تعلیم داده‌اند. از این‌رو عامه مردم با شیوه صحیح تدبر موضوعی در قرآن کریم آشنا نیستند و آن‌را وظیفه متخصصان می‌دانند. این مسئله باعث گردیده که عموم، نتوانند پاسخ صحیح پرسش‌ها و شبهات خود را به‌صورت مستقیم از قرآن استخراج نمایند. در این میان، دشمنان اسلام و مخالفان تشیع با فرصت‌طلبی از این نقیصه، به طرز گسترده‌ای اقدام به تضعیف باورها و اعتقادات دینی مسلمانان کرده‌اند. از این‌رو ضرورت دارد، این پندار نادرست برطرف گردد و همگان، انجام تدبر موضوعی - با کسب مقدمات لازم - را برای خود امکان‌پذیر بدانند. ان‌شاءالله با استفاده از نتایج این تحقیق، زمینه لازم برای احیای این رسالت و وظیفه عام دینی فراهم شود.

۲. پیشینه تحقیق و تدبر موضوعی

پیرامون تفسیر موضوعی تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته، اما تدبر موضوعی، مقوله‌ای نوظهور می‌باشد و در مورد ماهیت و روش‌شناسی تدبر موضوعی، پژوهش‌های اندکی عرضه شده است. شیخ علی آل موسی (۱۴۳۰) در کتاب *التدبر الموضوعی فی القرآن الکریم*، بین تدبر موضوعی و تفسیر موضوعی تفاوتی قائل نشده و این دو اصطلاح را معادل یکدیگر به‌کار برده است. از نظر او تدبر موضوعی علمی روشمند و دارای گام‌ها و مراحل است که از طریق

آن می‌توان با گردآوری آیات هم مضمون به کشف موضع‌گیری قرآن در هر زمینه پرداخت. همچنین مرادی زنجانی و لسانی فشارکی (۱۳۸۶) در کتاب روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، تفاوت‌های تدبر موضوعی با تفسیر موضوعی را برشمرده و انجام تحقیق موضوعی توسط عموم مردم را امری ممکن ذکر نموده‌اند. در شیوه پیشنهادی ایشان تأکید خاصی بر انتخاب کلیدواژه، برای جست‌وجوی آیات مرتبط با هر موضوع شده است. الهی‌زاده (۱۳۹۳) نیز در کتاب *درسنامه تدبر موضوعی قرآن، مبادی، مبانی و روش تدبری پیشنهادی خویش را به تفصیل شرح داده و در پایان نمونه‌ای از تدبر موضوعی حول موضوع شفاعت را ارائه نموده است*. علاوه بر کتاب‌های مذکور، راغب‌الخصری (۲۰۱۶) کتاب *منهج التدبر الموضوعی المعاصر للقرآن‌الکریم* را تألیف نموده است؛ این محقق به مبانی و اصول کلی برداشت از قرآن اشاره کرده و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این خصوص را آورده است. نویسنده مقصود خود از تدبر موضوعی را منحصراً کشف پیام اصلی و محوری سوره بر مبنای فهم سیاقی آیات و وحدت موضوعی سوره‌های قرآن بیان کرده است.

۳. دلایل امکان تدبر موضوعی برای عموم

بسیاری از محققان بر این باورند که تدبر موضوعی - با کسب مقدمات لازم - برای همگان امکان‌پذیر است. از دیدگاه ایشان، هر جوینده حقیقتی قادر است با فراگیری روش و مراحل صحیح تدبر موضوعی، ضمن برخورداری از حداقل سواد عربی و با کمک گرفتن از کتاب‌های لغت و ترجمه فارسی قرآن - متناسب با توان علمی و میزان انس خود با آیات قرآن - به مراتبی از معارف عظیم این کتاب شریف نایل شود [نک. ۲، ص ۴۶؛ ۷، ص ۱۳۱؛ ۳۹، ص ۱۴]. این محققان برای اثبات مدعای خود دلایلی ذکر کرده‌اند که در این مجال ادله ایشان ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است در این تحقیق، واژه تدبر به صورت مطلق به کار رفته و تدبر ترتیبی و موضوعی را توأمان شامل می‌شود.

۳.۱. ذومراتب بودن معارف قرآن کریم

فهم قرآن در سه چیز خلاصه می‌شود: ۱. ظهور لفظی، که عرب فصیح [و هر فرد مأنوس با قرآن و حامل آنکه با زبان و اسلوب بیانی قرآن تا حدودی آشنا شده است] آنرا می‌فهمد؛ ۲. حکم عقل فطری [آنچه که عقل فطری، یعنی آغشته نشده به مشهورات

نادرست و دیگر آلودگی‌ها آنرا درک می‌نماید؛^(ع) ۳. آنچه از معصومین^(ع) در تفسیر آن آمده است [۴۵، ج ۱، ص ۱۲۹]. تدبر معبری است برای فهم قرآن کریم؛ انسان حق جو و حق‌گرا با هر تأمل و تفکر و تدبر در آیه یا مجموعه‌ای از آیات هم مضمون، نکته و پیامی دریافت می‌نماید. با تأمل در فرمایشات معصومان^(ع) چنین دریافت می‌شود که ایشان به نوعی تقسیم‌بندی در کلام الهی قائل هستند و بر مبنای آن، میزان بهره‌مندی افراد از کلام خداوند نیز متفاوت خواهد بود. عَنِ عَلِيٍّ (ع): «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ بِسَعَةِ رَحْمَتِهِ وَ رَأْفَتِهِ بِخَلْقِهِ وَ عِلْمِهِ بِمَا يُحْدِثُهُ الْمُبْدِلُونَ مِنْ تَغْيِيرِ كَلَامِهِ قَسَمَ كَلَامَهُ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ فَجَعَلَ قِسْمًا مِنْهُ يَعْرِفُهُ الْعَالِمُ وَ الْجَاهِلُ وَ قِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا مَنْ صَفَا ذَهْنَهُ وَ لَطَفَ حِسَّهُ وَ صَحَّ تَمْيِيزُهُ مِمَّنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ قِسْمًا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِئَلَّا يَدْعِيَ أَهْلُ الْبَاطِلِ الْمُسْتَوِلِينَ عَلَى مِيرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ مَا لَمْ يَجْعَلْهُ اللَّهُ لَهُمْ وَ لِيَقُودَهُمُ الْإِضْطِرَارُ إِلَى الْإِئْتِمَامِ بِمَنْ وُلِيَ أَمْرَهُمْ» [۳۵، ج ۸۹، ص ۴۵]؛ از حضرت علی^(ع) نقل شده که: خداوند متعال، از آنجا که دارای رحمت گسترده و مهربانی به خلق است و می‌دانسته که در طول زمان دست‌های تحریف‌گر درصدد تغییر کلام او برمی‌آیند، کلام خویش را به سه دسته تقسیم کرده است: بخشی از معارف قرآن را به‌گونه‌ای قرار داده که عالم و عامی آنرا می‌فهمند. قسمتی دیگر را به‌گونه‌ای بیان کرده که جز ذهن‌های صاف و احساس‌های لطیف و نکته‌سنجانی که خداوند سینه‌های آنان را برای فهم اسلام فراخ کرده است، آنرا در نمی‌یابند. بخشی دیگر از معارف قرآن به‌گونه‌ای است که آنرا جز خداوند، فرشتگان و راسخان در علم نمی‌فهمند. این کار را برای آن کرده است که اهل باطل به میراث پیامبر اکرم^(ص) دست نیابند، تا از راه علم به کتاب، آنچه را که خداوند برای آنان قرار نداده ادعا نکنند و اضطرار، آنان را به مشورت با ولی امرشان وادار کند.

امام صادق^(ع) این تقسیم‌بندی کلام الهی را به‌صورتی جزئی‌تر بیان کرده است: قَالَ الصَّادِقُ (ع): «كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ اللَّطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَ الْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَ اللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَ الْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ» [۳۵، ص ۱۰۳]؛ امام صادق^(ع) فرمود: کتاب خدای عزوجل دارای چهار چیز است: عبارت ظاهر، اشاره، لطایف و حقایق؛ پس عبارت ظاهر برای عوام است و اشارت برای خواص و لطایف برای اولیا و حقایق برای انبیاء.

بر اساس روایت فوق، قرآن چهار مرتبه فهم و تدبر را داراست:

الف. مرتبه «عبارات قرآن» که برای توده‌های مردمی از هر قشر و طبقه‌ای می‌باشد.
 ب. مرتبه «اشارات قرآن» که برای خواص مردم از مجتهدان و مفسران قرآن می‌باشد.
 ج. مرتبه «لطائف قرآن» و نکته‌سنجی‌های دقیق و عمیق آن که مختص شاگردان معصومین^(ع)، علمای ربّانی، و اولیای الهی در هر عصر و زمانی است.
 د. مرتبه حقایق و جان‌بی‌پرده قرآن که مختص معصومین^(ع) اعم از انبیاء و چهارده معصوم^(ع) می‌باشد [۵۲، ص ۴۸۴-۴۸۵].

به‌طور کلی معارف قرآن کریم را - از جهت امکان دسترسی - می‌توان در دو دسته قرار داد: بخشی از معارف کلام الهی (ظاهر الفاظ قرآن کریم)^۱ که هر کس متناسب با مقدار علم و اطلاعات فردی و صفای باطنی خود می‌تواند از طریق تدبر به آن دست یابد؛ و بخشی دیگر که فراتر از شعاع درک و دانش انسان‌های معمولی و ویژه خاصان درگاه الهی است؛ از این‌رو تدبر نمودن غیر معصوم در این مرتبه، ثمری برای وی نخواهد داشت^۲ [نک. ۲۸، ص ۱۴۷-۱۴۸؛ ۵۱، ص ۲۹۲؛ ۵۲، ص ۴۸۴-۴۸۵].

علم و درک همه مردم در یک مرتبه نیست؛ از طرفی خداوند برای هدایت کل بشریت - با تمام اختلافاتی که دارند - فقط یک قرآن نازل کرده است. همچنان‌که گذشت، روایات معصومین^(ع) و دیدگاه‌های محققان، بیان‌گر ذومراتب بودن معارف این کتاب عظیم‌الشان است، به‌گونه‌ای که هم عموم مردم و هم عالمان و متخصصان، متناسب با ظرفیت علمی و صفای باطنی خود از آن بهره‌مند می‌شوند.

۳. ۲. عدم امکان احاطه کامل بر قرآن کریم برای غیر معصوم

احاطه کامل بر قرآن کریم به عنوان پیش‌فرضی برای تدبر موضوعی، برای غیر معصوم امری ناممکن است و هیچ‌یک از مفسران قرآن کریم چنین ادعایی نداشته‌اند؛ لذا مشروط

۱. ظاهر الفاظ کتاب الهی، خود به اجزای معنادار کوچک‌تری تقسیم می‌شود؛ پس از الفاظ کل سوره - های قرآن، الفاظ سوره، الفاظ آیه و در نهایت، کوچک‌ترین واحد معنادار الفاظ قرآن، مفردات آن است [۳۴، ص ۲].

۲. در قرآن مجید آیه‌ای که هیچ‌گونه دسترسی به مراد واقعیش نباشد، نداریم؛ اما حروف مقطعه فواتح سور، چون مدلول لفظی لغوی ندارند در این تقسیم‌بندی واقع نمی‌شوند [نک. ۲۳، ص ۴۹]. حروف مقطعه اشارت‌های رمزی به اسرار است بین خداوند قرآن و آورنده آن - حضرت محمد(ص) - که جز کسانی که امین وحی الهی‌اند، بدان راه نمی‌یابند. [زیرا] اگر اطلاع بر مراد و مقصود از این حرف‌ها برای غیر آنان ممکن بود، از ابتدا نیاز به رمزی گفتن آن‌ها نبود [۴۷، ج ۵، ص ۳۱۴].

دانستن تدبیر موضوعی به احاطه کامل بر قرآن عظیم منطقی به نظر نمی‌رسد. «تعبیر تسلط یا احاطه بر قرآن - به‌رغم حسن‌نیت مطرح‌کنندگان آن - به‌هیچ وجه تعبیر صحیح و مناسبی نیست و در هیچ جای سیره معصومین^(ع) چنین تعبیری - که چه‌بسا بوی شرک نیز از آن‌ها بیاید - به کار نرفته است. در قرآنی که پیامبر اکرم^(ص) و امامان معصوم^(ع) معرفی کرده‌اند، ادعای احاطه و تسلط بر آن، با ادعای احاطه و تسلط بر خود خداوند چندان فرقی ندارد» [۳۹، ص ۵]. امام صادق^(ع)، ابوحنیفه را به خاطر طرح چنین ادعایی سرزنش کرده است: «عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ^(ع) أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ^(ع) قَالَ لِأَبِي حَنِيفَةَ أَنْتَ فَفِيهِ الْعِرَاقُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فِيمَ تُفْتِنِيهِمْ قَالَ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ^(ص) قَالَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ تَعْرِفُ كِتَابَ اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ تَعْرِفُ النَّاسِخَ وَ الْمَنْسُوخَ قَالَ نَعَمْ قَالَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ لَقَدْ ادَّعَيْتَ عِلْمًا وَيْلَكَ مَا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا عِنْدَ أَهْلِ الْكِتَابِ الَّذِينَ أَنْزَلَ عَلَيْهِمْ وَيْلَكَ وَ لَا هُوَ إِلَّا عِنْدَ الْخَاصِّ مِنْ ذُرِّيَةِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ^(ص) وَ مَا وَرَثَكَ اللَّهُ مِنْ كِتَابِهِ حَرْفًا» [۱۱، ج ۲۷، ص ۴۷-۴۸]؛ بعضی از یاران امام صادق^(ع) از آن حضرت روایت کردند که به ابوحنیفه فرمودند: آیا تو فقیه عراق هستی؟ پاسخ داد: آری، فرمود به چه چیزی برای آن‌ها فتوا می‌دهی؟ پاسخ داد: به کمک کتاب خدا و سنت پیامبر خدا^(ص). فرمود: ای ابوحنیفه! تو کتاب خدا را آن‌گونه که حق شناختن آن کتاب است می‌شناسی؟ ناسخ و منسوخ را می‌شناسی؟ پاسخ داد: آری، فرمود: ای ابوحنیفه! علم بزرگی را ادعا کرده‌ای، وای بر تو! خداوند آن علم را جز نزد اهل قرآن - همان‌هایی که قرآن را بر آنان نازل فرمود - قرار نداده است. وای بر تو! آن علم جز در نزد فرزندان مخصوص از پیغمبر ما محمد^(ص) وجود ندارد. خداوند تو را وارث حتی یک حرف از علم کتاب قرار نداده است. امام محمد باقر^(ع) نیز همین عکس‌العمل را نسبت به قتاده داشته است [۳۱، ج ۸، ص ۳۱۱-۳۱۲].

با دقت در بسیاری از تفاسیر موضوعی، درخواستیم یافت که مؤلفان آن‌ها می‌توانسته‌اند به جای آیاتی که برگزیده‌اند، آیات دیگری را انتخاب کنند و آن دسته از آیاتی که مطرح کرده‌اند، نسبت به بسیاری دیگر از آیات، هیچ ترجیحی ندارند و هر خواننده و شنونده‌ای حق دارد سؤال کند که چرا فقط این آیات در بحث موضوعی گنجانیده شده‌اند و چرا آن دسته از آیات مطرح نشده‌اند [۳۹، ص ۷]؟ در تأیید مدعای فوق، تفاوت آیات انتخابی توسط دو محقق ذیل پیرامون یک موضوع با عنوانی واحد به وضوح قابل مشاهده است. شهید صدر برای بیان دیدگاه قرآن درباره «آزادی در قرآن» از آیات بقره: ۲۹؛ بقره: ۲۵۶؛ آل عمران: ۱۴-۱۵؛ آل عمران: ۶۴؛ جاثیه: ۱۳ بهره گرفته است

[۲۰، ص ۳۶۹-۳۸۰]، در حالی که آیت‌الله معرفت به آیات ذیل استناد کرده است: بقره: ۲۹؛ بقره: ۲۵۶؛ آل عمران: ۱۹؛ آل عمران: ۸۵؛ اسراء: ۸۴؛ جاثیه: ۱۳ [۴۵، ص ۴۰-۴۲]. از این گذشته، «اگر تسلط و احاطه بر قرآن - آن‌گونه که مطرح شده است - شرط بهره‌مندی از آن باشد، در صدر اسلام، آنگاه که هنوز تمام قرآن نازل نشده بود و تنها چند سوره - به اصطلاح - کوچک در قلب مردم جای داشت، کسی نمی‌بایست از آن‌ها استفاده می‌کرد و در آن‌ها تدبر می‌نمود و همه می‌بایست منتظر می‌شدند، تا کل قرآن در اختیار آنان قرار گیرد؛ در حالی که همان چند آیه و سوره کوچک، مایه هدایت، نور، شفا و رحمت برای آنان بود و همه اسماء و اوصافی که بر کل قرآن اطلاق می‌شود، بر آن‌ها نیز صادق بود» [۳۹، ص ۱۶].

۳.۳. امکان فهم ظاهر قرآن برای عموم مردم

خداوند در قرآن برای انتقال پیام‌های خویش به مردم از زبان عربی استفاده کرده [الشعراء: ۱۹۵] و این زبان را با تعبیر «مبین» توصیف نموده است [النحل: ۱۰۳]. «زبان قرآن، زبان عربی مبین است نه عربی معمولی؛ زبان عربی مبین، مرکز همه زبان‌های دنیاست و ارتباط و فاصله آن با زبان‌های دیگر، همانند مرکز دایره با هر نقطه‌ای روی محیط دایره یکسان است» [۳۲، ص ۳۵]. همچنین خداوند، مخالفان را به آوردن اثری مانند همین قرآن به مبارزه طلبیده است [الاسراء: ۲۹۱؛ الطور: ۳۴؛ هود: ۱۳؛ بقره: ۲۳؛ یونس: ۳۸]. در ذیل، دلایل قابل فهم بودن ظاهر قرآن ارائه می‌گردد.

۳.۳.۱. عمومیت خطاب‌های قرآن کریم

در مصحف شریف، خداوند متعال عموم مردم را مورد خطاب قرار داده است، عبارت‌های پر تکرار «یا عباد، یا بنی آدم، یا ایها الناس، یا ایها الانسان، یا ایها الذین آمنوا، یا ایها الذین اتوا الكتاب، ایها المؤمنون»، مؤید عمومیت و شمول خطاب‌های قرآن کریم است. از این رو منطقی نیست، در حالی که مخاطب قرآن همه انسان‌ها هستند، فهم آن مختص گروهی خاص باشد. مؤلف تفسیر «من هدی القرآن» می‌گوید: «برخی با استناد به روایات مربوط به «تفسیر به رأی» فقط کسانی را لایق تدبر می‌دانند که حظی عظیم از علوم و فنون مختلف داشته باشند، اما باید دانست که این پندار کاملاً غیرمنطقی بوده و خواهد بود؛ چرا که خداوند همه انسان‌ها را در هر سرزمین و در هر زمان، به تدبر فرا خوانده

است و محال است که او از یک سوی، قرآن را به عنوان «بیان للناس» [آل عمران: ۱۳۸] بستاید و از سوی دیگر، انسان‌ها را از تدبیر در آن نهی نماید. خطابات قرآن متوجه همه مردم و یا همه مؤمنین است و خداوند با این خطابات می‌خواهد که مردم سخن او را بشنوند و در آن تدبیر نمایند، بنابراین نمی‌توان گفت، روایات از تدبیری که خداوند به آن امر کرده است، نهی می‌کنند» [۳۸، ج ۱، ص ۳۴].

۳.۳.۲. لازمه تحقق هدف از نزول

قرآن مجید کتابی برای هدایت انسان‌ها است و خداوند آن را نازل فرموده تا انسان‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور رهنمون گشته، آنان را به برترین راه در زندگی فراخواند. «قرآن خود را مایه هدایت مردمان [البقره: ۱۸۵]؛ نور و کتابی روشن‌گر [المائده: ۱۵] و بیان‌گر همه چیز [النحل: ۸۹] توصیف کرده است. این حقیقت اقتضا می‌کند که فهم قرآن آسان باشد و انسان بتواند معانی آن را درک کند؛ زیرا اگر قرآن از سوی مردم قابل فهم نباشد، نمی‌تواند اهدافش را محقق کند و وظایفش را به انجام برساند» [۲۰، ص ۳۰۵].

۳.۳.۳. عدم تفسیر تمام آیات توسط پیامبر (ص)

یکی از وظایف حضرت محمد (ص) به عنوان پیامبر خدا، تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم است [النحل: ۴۴]. برخی معتقدند ایشان (ص) تمام آیات قرآن را تفسیر و تبیین نموده است [۳، ص ۳۵؛ ۱۲، ص ۲۶۴؛ ۴۶، ج ۱، ص ۱۶۸]؛ اما در نقطه مقابل، گروهی ابراز داشته‌اند که پیامبر اسلام (ص) تنها بخشی از قرآن را تفسیر کرده و فهم آیات بسیاری را بر عهده خود مردم نهاده است [۴، ج ۱، ص ۷؛ ۱۵، ج ۱، ص ۵۳؛ ۱۹، ص ۱۱؛ ۲۷، ص ۳۸].

۳.۳.۴. قباحت تکلم به زبانی نامعهود

پروردگار منان خویش را با وصف حکیم معرفی نموده است. «حکیم یعنی کسی که ظرائف امور را نیکو انجام می‌دهد و آن‌ها را محکم و استوار می‌گرداند» [۲۵، ج ۶، ص ۴۷]. از شئون حکمت الهی این است که تمام کارهای خداوند هدفمند است یعنی چیزی را بیهوده و عبث خلق نمی‌کند [المؤمنون: ۱۱۵] و خلقت او از روی بازی و سرگرمی نیست [الانبیاء: ۱۶].

هدف از نزول قرآن هدایت و به کمال و سعادت رساندن تک‌تک افراد بشر بوده است.

اگر ظاهر آیات این کتاب برای عموم قابل فهم نباشد، به این معناست که خداوند مردم را با زبانی خطاب کرده که برای آنان قابل فهم نیست؛ لذا مستلزم نقض غرض شده و حکمت الهی نزول قرآن لغو خواهد بود. بدیهی است که به لحاظ عقلی تکلم به زبانی نامعهود و ناآشنا با مخاطبان ناپسند و قبیح است، به همین دلیل، همهٔ موحدان، ساحت خدا را میرا و منزّه از فعل بیهوده می‌دانند؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که آیات قرآن برای همگان قابل فهم است [نک. ۱۸، ص ۴۰۱؛ ۵۳، ص ۱۹].

۳.۳.۵. نادرستی اعتقاد انحصار فهم قرآن به مفسران

یک پندار و تلقی نادرستی در بین مردم رواج یافته و بر اساس آن راه هرگونه استنباط از قرآن کریم را سد نموده است. بر مبنای این باور نادرست، فقط مفسران و عالمان مجاز به فهم آیات قرآن هستند و دیگران صرفاً از طریق مطالعهٔ محصولی که متخصصان استخراج کرده‌اند، می‌توانند از قرآن بهره‌مند گردند. این در حالی است که بسیاری از اندیشمندان و متفکران برجسته، بر قابل فهم بودن ظاهر آیات قرآن کریم از طریق تدبر در آیات آن تأکید داشته و این باور را رد نموده‌اند. از بیانات امام خمینی چنین برداشت می‌شود که تدبر در قرآن باید برای آحاد جامعهٔ اسلامی میسر باشد. باید زمینه‌ای فراهم شود که «هر مسلمان در هر آیه از آیات شریفه که تدبر می‌کند مفاد آن را با حال خود تطبیق کند و نقصان خود را به واسطهٔ آن مرتفع سازد و امراض خود را به آن شفا دهد» [۱۴، ص ۲۰۶]. عقیدهٔ اختصاص فهم قرآن به مفسران و محصور و محدود ساختن معارف قرآن کریم به هرآنچه مفسران فهمیده و نوشته‌اند، یکی از حجاب‌ها و موانع فهم و استفاده از قرآن کریم است که موجب عاری نمودن آن از جمیع فنون استفاده و نیز مهجور ساختن آن خواهد شد» [۱۴، ص ۱۹۹].

از دیدگاه سایر اندیشمندان نیز منحصر بودن فهم قرآن در مفسران و متخصصان، برخلاف حکمت بالغهٔ الهی و نقض غرض از ارسال نبی مکرم اسلام^(ص) و انزال قرآن شریف است. نباید با استناد به روایات نهی از تفسیر به رأی، مردم را از مراجعهٔ مستقیم به قرآن کریم بازداشت. معارف قرآن مجید ذومراتب است و هرکس می‌تواند متناسب با ظرفیت خود از آن بهره‌مند گردد [نک. ۸، ص ۱۷۰؛ ۱۸، ص ۴۰۱؛ ۲۳، ص ۲۵؛ ۳۸، ج ۱، ص ۳۴؛ ۵۰، ص ۳۹-۲۶].

۳.۳.۶. تأکید معصومان^(ع) بر تدبر ترتیبی و موضوعی در قرآن

دستور و سفارش به تدبر در قرآن کریم، مورد تأکید پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت مکرم ایشان بوده است. حضرت در خطبه معروف غدیر فرموده‌اند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا فِي مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ» [۱۱، ج ۲۷، ص ۱۹۳]؛ ای مردم! در قرآن تدبر کنید و آیاتش را بفهمید و به محکمات آن بنگرید و از آیات متشابه آن پیروی نکنید. حضرت فاطمه زهرا^(س) بر مبنای آیه ۲۴ از سوره محمد، در همین رابطه فرموده است: «مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ أَفْلا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَي قُلُوبِ أَقْفَالِهَا» [۲۴، ج ۱، ص ۱۰۴]؛ ای مسلمانان! آیا در قرآن تدبر نمی‌کنید؟ یا اینکه بر قلبها قفل‌هایی زده شده است؟

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در روایات فوق، توصیه به تدبر در قرآن به صورت مطلق مطرح شده است. از این‌رو، اگر تدبر - اعم از ترتیبی و موضوعی - در قرآن ممکن نبود، این اندازه ترغیب و تشویق مردم به آن تکلیفی خارج از طاقت و توان آنان بود.

۳.۴. امکان کشف شیوه صحیح تدبر موضوعی در قرآن در سیره اهل بیت^(ع)

امام صادق^(ع) قبل از آغاز تلاوت - در حالی که قرآن را در دست راست می‌گرفت - این‌گونه دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ ... وَ لَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَائَةً لَا تَدَّبَّرُ فِيهَا بَلِ اجْعَلْنِي أَتَدَّبَّرُ آيَاتِهِ وَ أَحْكَامِهِ أَخِذْ بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَ ...»؛ [۴۹، ص ۱۴۱] خداوند! ... و قرائت مرا قرائتی که تدبر در آن نیست قرار مده، بلکه مرا آن‌گونه قرار بده که در آیات و احکام آن تدبر کنم، در حالی که قوانین دین تو را اخذ می‌کنم و امام صادق^(ع) از خداوند متعال درخواست می‌نماید که قرائت وی را به‌گونه‌ای قرار بدهد که توأم با تدبر باشد و از طریق آن بتواند قوانین و احکام دین خدا را دریافت نماید. بدیهی است که دریافت قوانین و احکام شریعت، صرفاً از طریق تدبر ترتیبی حاصل نمی‌گردد و چاره‌ای جز بهره جستن از تدبر موضوعی نیست. از طرفی اگر امام معصوم^(ع)، در مناجات با خداوند جملاتی بیان می‌کند، این جملات صرفاً زبان حال امام^(ع) نیست، بلکه ایشان خواسته‌اند از این طریق نحوه ارتباط با پروردگار هستی‌بخش را به مردم تعلیم دهند.

از این‌رو، «بهترین و کارآمدترین شیوه فهم آیات قرآن را در سیره اهل بیت^(ع) می‌یابیم. روش خاصی که به «تفسیر قرآن به قرآن» موسوم شده است، در این روش، هر آیه از قرآن کریم، با تدبر در سایر آیات قرآنی و بهره‌گیری از آنها باز و شکوفا می‌شود...

بر این اساس است که برخی از آیات قرآن کریم همه موارد لازم را برای پی‌ریزی یک بنیان مرصوص معرفتی در خود دارد [۹، ج ۱، ص ۶۱]. در مجموعه‌های روایی نمونه‌های بسیاری از گردآوری آیات هم‌مضمون و استفاده موضوعی از آیات قرآن در سیره پیامبر اسلام (ص) و معصومان (ع) روایت شده است. به‌عنوان نمونه نبی مکرم اسلام (ص)، در ارتباط با پاداش صبر و شکیبایی در برابر سختی و قحطی خطاب به ابن‌مسعود فرموده است: همانا خدای تعالی فرموده: «إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» [الزمر: ۱۴]؛ و «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا» [الفرقان: ۷۵]؛ همچنین فرموده: «إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» [المؤمنون: ۱۱۳]. ای پسر مسعود سخن خدای تعالی است که: «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا» [الدهر: ۱۲]؛ «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا» [القصص: ۵۴]. همچنین خدای عزوجل می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبَاسَاءَ وَالضَّرَّاءَ» [البقرة: ۲۱۳]؛ «وَلَنْبَلُوتِكُمْ بَشِيءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» [البقرة: ۱۵۵] [۳۶، ص ۱۰۳-۱۰۴]. حضرت علی (ع)، نیز با استفاده از دو آیه ذیل، حداقل مدت زمان حمل جنین را تعیین کرده و چنین گفته است که: خداوند متعال فرموده: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» [البقرة: ۲۳۳] و در جایی دیگر فرموده است: «وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» [الاحقاف: ۱۵]، این حسین هم شش ماهه متولد شد [۳۵، ج ۳۰، ص ۱۱۰-۱۱۱].

۳.۵. غایت نزول قرآن

پروردگار متعال، غایت نزول قرآن کریم را تدبر عموم مردم در آیات آن - اعم از تدبر ترتیبی^۱ و موضوعی - معرفی فرموده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ [ص: ۲۹]؛ (این قرآن) کتابی پرخیر و برکت است که بر تو فرو فرستادیم تا آیات آن را تأمل و پی‌گیری کنند و برای آنکه صاحبان خرده‌ای (ناب) متذکر شوند». در شریفه ۸۲ از سوره نساء علاوه بر مؤمنان، مخالفان و منافقان نیز به تدبر در کلام الهی تشویق شده‌اند: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛ پس آیا درباره (معارف) این قرآن اندیشه و پی‌گیری فکری

۱. شیوه تدبر ترتیبی آن است که متدبر، آیات هر سوره را به ترتیب چینش (مصحف یا به ترتیب نزول) تدبر کند [۴۳، ج ۲، ص ۱۵۹].

نمی‌کنند؟! و اگر از جانب غیر خدا بود مسلماً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند [۴۲، ص ۹۱]. حاصل تدبیر منکران الهی بودن قرآن در آیات الهی، نیافتن ذره‌ای ناهماهنگی و اختلاف در این مجموعه منسجم است. لذا، عدم وجود کمترین تناقض و پراکندگی در قرآن شریف، مبین حکیمانه و الهی بودن این مصحف عظیم است.

نکته بسیار مهم دیگر این است که قرآن خود یادآور شده که آیاتش موجب گمراهی فاسقان می‌گردد: «يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» [البقره: ۲۶]، همچنین ظالمان را دچار خسران می‌نماید: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» [الاسراء: ۸۲]. به اقتضای مقابله در آیه اخیر بین مؤمن و ظالم، معلوم می‌گردد که مراد از ظالم، غیر مؤمن است. ایمان در روایت علوی این طور وصف شده است: «الْإِيمَانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ وَ لَفْظٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ» [۲۱، ج ۱، ص ۲۲۷]؛ ایمان، عقد و اعتقاد به قلب است و لفظی است به زبان و عملی است به جوارح. خداوند در آیه یازدهم سوره حجرات بعد از نهی از چند گناه کبیره می‌فرماید: «... وَ مَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ و آنان که توبه نکنند ظالم و ستمگرند. بنابر این از دایره ایمان خارج شده‌اند. همچنین گذشت که قرآن جز گمراهی برای فاسق، و خسران برای ظالم، اثری ندارد. با این وصف - و طبق روایات فراوان اهل بیت^(ع) - فاعل کبیره از ایمان خارج می‌شود^۱ [۵، ص ۳۳۰؛ ۱۱، ج ۱، ص ۳۰ و ۳۸] لذا با خروج از ایمان، مصداق ظالم بوده و با قرآن هدایت نمی‌شود. این حقیقت در آیه «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» [محمد: ۲۴]، نیز با اشاره به دل‌هایی که بر آن‌ها قفل‌های سنگین کبائر زده شده - و قادر به هدایت یافتن با تدبیر در قرآن نیستند - مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در کریمه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» [الواقعه: ۷۹]، این مهم به وضوح آمده است. با این وجود، موارد مذکور باعث سقوط وجوب تدبیر از ظالم نمی‌گردد، بلکه دو واجب بر اوست: یکی دست‌کشیدن از ظلم و دیگری تدبیر در قرآن. لاجرم از وظایف متدبیر آن است که ابتدا تا آنجا که می‌تواند تقوای الهی پیشه کند. سپس راه تدبیر در قرآن در پیش گیرد تا هدایت گردد.

۳.۶. سهولت فراگیری روش‌های گردآوری آیات برای تدبیر موضوعی

برای جمع‌آوری آیات پیرامون یک موضوع، راهکارهای ذیل پیشنهاد شده است:

۱. اگرچه پشیمانی از گناه علامت بازگشت ایمان به وی است.

الف. بهره جستن از کلیدواژه و مراجعه به معاجم الفاظ [۲، ص ۴۷؛ ۷، ص ۲۵۵-۲۵۸؛ ۳۹، ص ۵-۱۰؛ ۴۰، ص ۹۲-۹۳].

ب. استفاده از کتابها و نرم افزارهای معاجم (اعلام، لغت، معاجم موضوعی) و فرهنگ قرآن [۲، ص ۴۷؛ ۷، ص ۲۵۵-۲۵۸؛ ۴۰، ص ۹۲-۹۳].

ج. بهره‌مندی از نظر صاحب‌نظران و خبرگان [۴۰، ص ۹۲-۹۳].

د. مدد جستن از نظر مفسران [۴۰، ص ۹۲-۹۳].

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، استفاده از منابع پیشنهادی مذکور نیاز به تخصص ویژه‌ای ندارد و هرکس می‌تواند با اندکی آموزش و ممارست، شیوه استفاده از آنها را بیاموزد. ضمن اینکه معجم‌های موضوعی و نرم‌افزارهای قرآنی با استفاده از یافته‌های دانشمندان و متخصصان تهیه می‌شوند. بنابراین بسیار بعید به نظر می‌رسد، با کمک گرفتن از این ابزارها و روش‌ها، نتوان آیات اصلی پیرامون هر موضوع را یافت.

۳.۷. ادعان برخی از اندیشمندان بر امکان تدبر موضوعی توسط عموم

از دیدگاه برخی اندیشمندان، تدبر موضوعی با فراهم شدن مقدمات آن در توان همگان خواهد بود و هر طالب حقیقتی می‌تواند با داشتن حداقل سواد عربی و با به‌کار گرفتن کتاب‌های لغت و ترجمه فارسی قرآن - متناسب با ظرفیت علمی و طهارت باطنی خود - به مراتبی از معارف عظیم این کتاب شریف نایل شود [نک. ۲، ص ۴۶؛ ۷، ص ۳۱؛ ۳۹، ص ۱۴].

طبق فرمایش امام خمینی، هرکس می‌تواند با مراجعه مستقیم به قرآن مجید برای زندگی خود اصول و آداب اخلاقی و ایمانی و عرفانی استخراج نماید [نک. ۱۴، ص ۱۹۹]، اما چپ‌نشین آیات قرآن به نحوی نیست که مجموع تعالیم و احکام مرتبط با هر موضوع صرفاً در آیه و سوره مشخصی ارائه شده باشد، لذا گریزی از بهره گرفتن از شیوه تدبر موضوعی نیست.

۳.۸. انس با قرآن اصلی‌ترین پیش‌نیاز برای تدبر موضوعی

واژه‌ی «انس» مصدری عربی در مقابل واژه‌های «نفرت»، «وحشت» و «دوری» است [۴۴، ج ۱، ص ۱۷۴]. در حالت مصدری به معنای خوگرفتن، آرام گرفتن به چیزی و الفت گرفتن با آن است [۴۴، ج ۱، ص ۱۷۴؛ ۴۸، ج ۱، ص ۳۸۰]. یقیناً هر چه میزان انس انسان با آیات قرآن بیشتر باشد، عمق تدبر وی نیز بیشتر خواهد بود. میزان انس مردم با آیات قرآن در افراد مختلف بستگی به مقدار ارتباط ایشان در طول شبانه‌روز با کلام

الهی دارد. حد کمال انس و الفت با کلام باری تعالی را می‌توان در سخن امام سجاد^(ع) مشاهده نمود؛ آنجا که فرموده است: «لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَّا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ» [۳۱، ج ۲، ص ۶۰۲]؛ اگر همه کسانی که بین مشرق و مغرب هستند بمیرند، آنگاه که قرآن با من است اضطراب و وحشتی نخواهم داشت. تلاوت آیات الهی، باب ورود به مرتبه انس با قرآن معرفی شده است. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ...» [البقرة: ۱۲۱]؛ کسانی که به آن‌ها کتاب (آسمانی) داده‌ایم و آن‌را به شایستگی تلاوت می‌کنند آن‌ها ایند که به آن (قرآن یا پیامبر) ایمان می‌آورند. میزان این تلاوت به قدر میسور ذکر شده است؛ «فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» [المزمل: ۲۰]؛ اکنون آنچه از (نماز شب و) قرآن میسر شود بخوانید. حال یک سؤال مطرح می‌شود و آن اینکه مقدار میسور تلاوت روزانه قرآن برای هر فرد چقدر است؟

امام رضا^(ع) از پدر بزرگوارشان به نقل از جد عظیم‌الشأن خود فرموده است که: «ما تيسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعُ الْقَلْبِ وَ صَفَاءُ السَّرِّ» [۲۶، ج ۵، ص ۴۵۱]؛ مقدار میسور تلاوت برای شما مقداری است که در آن خشوع و فروتنی قلب و صفای باطن باشد.

در برخی روایات حداقل مقدار میسور با تعداد آیه مشخص گردیده است. البته باید در نظر داشت که آیات قرآن از نظر تعداد کلمات و کوتاهی و طولانی بودن عبارات، با یکدیگر برابر نیستند. لذا اختلاف روایات در بیان تعداد آیات، ممکن است به همین دلیل باشد. در روایاتی که از ائمه طاهرين^(ع) نقل شده، حداقل آیاتی که باید در هر روز تلاوت شود، پنجاه آیه ذکر شده است:

عَنِ الرَّضَا^(ع): «يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَصْبَحَ أَنْ يَقْرَأَ بَعْدَ التَّعْقِيبِ خَمْسِينَ آيَةً» [۳۷، ج ۳، ص ۶۹۳]؛ از امام رضا^(ع) نقل شده که: برای مرد سزاوار است هر گاه صبح نمود، بعد از تعقیبات نماز پنجاه آیه بخواند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ^(ع) قَالَ: الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَ أَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً» [۲۹، ج ۹، ص ۱۷۲۵]؛ از امام صادق^(ع) نقل شده که فرمود: قرآن عهد خداوند به سوی خلقش می‌باشد، پس یقیناً برای شخص مسلمان سزاوار است که با دقت در عهد خویش بنگرد و از آن در هر روز پنجاه آیه بخواند.

طبق فرمایش نبی مکرم اسلام^(ص) تلاوت روزانه حداقل ده آیه، موجب زدودن گرد و غبار غفلت و بی‌خبری از روح و روان قاری قرآن می‌گردد و به‌همین نسبت هر چه مقدار آیات تلاوت شده بیشتر شود، میزان بهره‌مندی قاری از ثمرات و برکات آن افزون‌تر

خواهد شد و درجه و مرتبه وی نزد خداوند متعال بالاتر خواهد رفت. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يَكْتَبْ مِنَ الْعَافِلِينَ وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الدَّاكِرِينَ وَ مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفَائِزِينَ وَ مَنْ قَرَأَ مِائَتِي آيَةً كُتِبَ مِنَ الْخَاشِعِينَ وَ مَنْ قَرَأَ ثَلَاثِمِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفَائِزِينَ وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسَمِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ مَنْ قَرَأَ أَلْفَ آيَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنْ بَرِّ الْقِنْطَارِ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفَ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ الْمِثْقَالُ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ قِيرَاطًا أَصْغَرُهَا مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ وَ أَكْبَرُهَا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ [۳۱، ج ۴، ص ۶۲۳]؛ هر کس در هر شب ده آیه بخواند در زمره بی‌خبران نوشته نخواهد شد، و هر کس پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکران نوشته خواهد شد، و هر کس صد آیه بخواند از جمله قانتین نوشته می‌شود، و هر کس دویست آیه بخواند از خاشعین نوشته می‌شود، و هر کس سیصد آیه بخواند از فائزین نوشته می‌شود، و هر کس پانصد آیه بخواند از مجتهدین نوشته می‌شود، و هر کس هزار آیه بخواند برایش قنطاری از نیکی نوشته می‌شود، و هر قطار پانزده هزار مِثقال طلاست، و هر مِثقال بیست و چهار قیراط است که کوچک‌ترین آن هم‌چون کوه احد، و بزرگترین آن به اندازه ما بین آسمان و زمین می‌باشد.

مخاطب روایات فوق، فقط عالمان دینی و قاریان قرآن نیستند، بلکه معصومان^(ع)، همگان را مورد خطاب قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه امام صادق^(ع) به یک تاجر بازاری اعتراض می‌نماید که چرا هر شب یک سوره نمی‌خواند: «وَقَالَ مَا يَمْنَعُ التَّاجِرَ مِنْكُمْ الْمَشْغُولَ فِي سَوْقِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَنْ لَا يَنَامَ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ فَيَكْتُبَ لَهُ مَكَانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرُؤُهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ يَمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ» [۲۲، ج ۱۰، ص ۱۰۲]؛ چه چیزی تاجر از شما را که در بازاری مشغول به کار است مانع می‌شود که وقتی به منزلش برمی‌گردد، نخواست تا اینکه سوره‌ای از قرآن را بخواند؟ پس برایش به ازای هر آیه‌ای که می‌خواند ده حسنه نوشته می‌شود و از او ده سیئه محو می‌شود.

تلاوت مستمر و انس گرفتن با آیات قرآن موجب تثبیت صورت قرآن در قلب قاری می‌گردد. امام خمینی می‌نویسد: «کسی که خود را عادت داد به قرائت آیات و اسمای الهیه، از کتاب تکوین و تدوین الهی، کم‌کم قلب او صورت ذکری و آیه‌ای به خود می‌گیرد و باطن ذات محقق به ذکرالله و اسم‌الله و آیت‌الله می‌شود» [۱۴، ص ۱۵۰]. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، انس با مجموع قرآن لازمه تدبر موضوعی برای هر پژوهشگر قرآنی است. وی می‌گوید: «یک نکته دیگر درباره پژوهش‌های قرآنی این است که در پژوهش‌های قرآنی، توجه به کارهای علمی مبنایی و اصولی خیلی لازم است. این جور

نیست که هر کس عربی بلد بود، بتواند از قرآن همه مطالب را بفهمد و درک بکند؛ بتواند یک پژوهنده قرآنی باشد؛ نه. اولاً انس با خود قرآن لازم است؛ یعنی پژوهنده قرآنی باید با مجموع قرآن مأنوس باشد؛ تلاوت قرآن، دوباره خواندن قرآن، سه باره خواندن قرآن، تدبرهای شخصی در قرآن، کمک می‌کند به این که ما وقتی در یک موضوع خاصی در قرآن دنبال حقایق می‌گردیم، درباره آن موضوع بتوانیم راه به جایی ببریم؛ پس خود انس با قرآن لازم است [۵۰، ص ۷۳].

بر اساس روایات فوق، حداقل مقدار میسور تلاوت روزانه قرآن - ده آیه از سوره‌هایی که آیات طولانی دارند - حدوداً برابر با یک یا دو رکوع^۱ یا سیاق^۲ از مصحف شریف است. در سوره‌هایی که شامل آیات کوتاه می‌باشند، ۵۰ آیه معادل دو یا سه رکوع یا سیاق می‌شود [نک. ۳۳، ص ۵۹-۶۴]. بنابراین در صورتی که هر فرد مسلمان در شبانه‌روز دست کم دو یا سه رکوع از آیات الهی را با توجه و دقت در معانی آنها تلاوت نماید، به تدریج با آیات و محتوای آنها آشنا می‌شود و اطلاعات قرآنی وی افزایش می‌یابد. به هر میزان انس قاری با گنجینه‌های مصحف شریف بیشتر شود، گستره‌ی اطلاعات دایره‌المعارف قرآنی^۳ وی وسیع‌تر می‌گردد. اگر تربیت قرآنی فرزندان طبق توصیه‌ها و رهنمودهای معصومان^(ع)، شکل گیرد و ارتباط با قرآن از ابتدای سن تکلیف - و حتی پیش از آن - ایجاد شود، شخص مکلف پس از چند سال واجد حداقل اطلاعات دایره‌المعارف قرآنی می‌گردد و از آن پس قادر خواهد بود - در موارد بسیاری - ارتباط هر آیه با موضوعات مختلف را درک نماید و پیرامون هر موضوع چند آیه را به خاطر بیاورد.

۱. رکوعات قرآن، بخشی و گروهی از آیات است که در یک موضوع آمده و اتحاد مضمونی دارد که با شروع آن موضوع رکوع آغاز می‌گردد و با تغییر و تحول کلام به موضوعی دیگر ختم می‌شود و پیداست که شماره آیات مندرج در هر رکوع کم و زیاد است [۱۰، ص ۱۶۲].
۲. سیاق، ساختاری کلی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای آنها اثر می‌گذارد [۱۷، ص ۹۱].
۳. اطلاعات دایره‌المعارف، دانسته‌ها و اطلاعاتی است که خواننده یا مفسر، آنها را کسب نموده و در ذهن خود آنها را واجد است. گستردگی و تنوع این اطلاعات به‌سان دایره‌المعارف است که مفسر، هنگام تعامل تفسیری با متن و به ویژه دستیابی به اطلاعات نهفته آن، از این دایره‌المعارف بهره‌مند می‌گردد. این اطلاعات، دانش‌های متنوعی همچون دانش زبانی، تاریخی، فلسفی و ... را شامل می‌شود [نک. ۳۰، ص ۱۷۹، ۱۹۶، ۴۶۹، ۴۷۶، ۵۱۳، ۵۲۴].

نتیجه

لازمه دستیابی به دیدگاه نهایی قرآن پیرامون هر موضوع، نگرش جامع و هماهنگ به آیات مربوط به آن مطلب است. برای هدایت همه انسان‌ها - با وجود تفاوت سطح فهم و درک آن‌ها - فقط یک قرآن نازل شده است. خداوند در قرآن همگان را مورد خطاب قرار داده و این کتاب را مایه هدایت تمام مردم ذکر نموده است؛ بنابراین اعتقاد به انحصار فهم قرآن به مفسران، باور صحیحی نیست. فهم قرآن باید برای عموم آسان باشد، در غیر این صورت خلاف سیره عقلاست و هدف از نزول آن محقق نخواهد شد. مفاهیم و مضامین قرآن کریم ذومراتب است، لذا میزان بهره‌مندی و تدبر در قرآن - اعم از ترتیبی و موضوعی - نیز دارای مراتب و درجاتی است. در این عرصه، بالاترین مرتبه فهم - احاطه کامل و درک حقیقت قرآن - در انحصار معصومان^(ع) می‌باشد. غایت نزول قرآن، تدبر آحاد مردم در قرآن ذکر شده است، به همین دلیل معصومان^(ع) بر تدبر در قرآن بسیار تأکید نموده‌اند. گروهی از اندیشمندان - با توجه به ادله مذکور در این تحقیق - تدبر موضوعی توسط عموم را امکان‌پذیر می‌دانند.

شیوه صحیح تدبر ترتیبی و موضوعی در قرآن با جست‌وجو در سیره‌ی اهل بیت^(ع) کشف می‌گردد. انس با قرآن اصلی‌ترین معبر و پیش‌نیاز برای تدبر موضوعی به‌شمار می‌آید. روش گردآوری آیات در تدبر موضوعی، همان شیوه گردآوری آیات در تفاسیر موضوعی است. بخش اعظم آیات پیرامون هر موضوع را می‌توان با مدد گرفتن از نرم‌افزارهای قرآنی و جست‌وجوی کلیدواژه و جست‌وجوی موضوعی در معاجم الفاظ و اعلام استخراج نمود. علاوه بر موارد فوق، انس با آیات قرآن و بهره گرفتن از اطلاعات دایره‌المعارفی به افراد غیر متخصص نیز این امکان را می‌دهد که - با کسب مقدمات لازم - در ظاهر الفاظ قرآن کریم، تدبر موضوعی داشته باشند و پاسخ سؤالات خود را به‌صورت مستقیم از قرآن استخراج نمایند.

فراگیر شدن تدبر موضوعی در قرآن کریم مستلزم بررسی راه‌کارهای ارائه و ترویج مراحل و روش صحیح تدبر موضوعی و اصلاح روش آموزش و ترویج قرآن در جوامع اسلامی است.

منابع

[۱]. قرآن کریم.

- [۲]. الهی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۳). درسنامه تدبر موضوعی قرآن، مبادی، مبانی، روش و نمونه. مشهد، انتشارات مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره.
- [۳]. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۹). مقدمه فی اصول التفسیر. لبنان، بیروت، دار مکتبه الحیاه.
- [۴]. ابن جزئی الکلبی، محمد بن أحمد (۱۴۱۵). التسهیل لعلوم التنزیل. تحقیق: محمد سالم هاشم، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۵]. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- [۶]. احمدی، حبیب‌الله (۱۳۸۱). پژوهشی در علوم قرآن. چاپ چهارم، قم، فاطیما.
- [۷]. آل موسی، علی (۱۴۳۰). التدبر الموضوعی فی القرآن الکریم. لبنان، بیروت، دار کمیل للطباعه و النشر.
- [۸]. جلیلی، سیدهدایت (۱۳۷۲). روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن. تهران، انتشارات کویر.
- [۹]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تسنیم تفسیر قرآن کریم. جلد ۱، قم، مرکز نشر اسراء.
- [۱۰]. حریری، محمدیوسف (۱۳۸۴). فرهنگ اصطلاحات قرآنی. چاپ دوم، قم، هجرت.
- [۱۱]. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم، مؤسسه آل‌البیت^(ع).
- [۱۲]. حکیم، سید محمدباقر (۱۴۱۷). علوم القرآن. چاپ سوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- [۱۳]. الخضری، محمود راغب (۲۰۱۶). منهج التدبر الموضوعی المعاصر للقرآن الکریم. السعودیه، الرياض، مکتبه التوبه.
- [۱۴]. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۷). آداب الصلاه، آداب نماز. چاپ پانزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- [۱۵]. الذهبی، محمدحسین (۴). التفسیر و المفسرون. جلد ۱، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۱۶]. رجبی، محمود (۱۳۸۸). «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمد تقی مصباح». قرآن شناخت، قم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۱۱-۱۴۶.
- [۱۷]. _____ (۱۳۸۳). روش تفسیر قرآن. قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- [۱۸]. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۳). تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- [۱۹]. شحاته، عبدالله (۲۰۰۱). علوم التفسیر. قاهره، مصر، دار الشروق.
- [۲۰]. صدر، محمدباقر (۱۳۹۵). پژوهش‌های قرآنی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، درس‌های علوم قرآن، مقالات قرآنی. ترجمه سیدجلال میرآقایی، قم، دارالصدر.
- [۲۱]. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا^(ع). تهران، نشر جهان.
- [۲۲]. _____ (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. چاپ دوم، قم، دارالشریف‌الرضی للنشر.

- [۲۳]. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۲). قرآن در اسلام. چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۴]. طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳). الإحتجاج علی أهل اللجاج. تصحیح محمدباقر خراسانی، جلد ۱، مشهد، نشر مرتضی.
- [۲۵]. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. جلد ۶، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
- [۲۶]. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نورالثقلین. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، جلد ۵، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- [۲۷]. علوی مهر، حسین (۱۳۸۴). آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران. قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- [۲۸]. علوی نژاد، سیدحیدر (۱۳۸۵). «ظاهر و باطن قرآن در گستره روایات». پژوهش‌های قرآنی، مشهد، شماره پنجم و ششم، بهار و تابستان، ص ۱۳۸-۱۷۱.
- [۲۹]. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶). الوافی. جلد ۹، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، اصفهان.
- [۳۰]. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۹). بیولوژی نصّ: نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن. تهران، فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۳۱]. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی. چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۲]. لسانی فشارکی، محمدعلی؛ غفاری، مهدی (۱۳۹۰). آموزش زبان قرآن. قم، اسراء.
- [۳۳]. _____؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۶). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم. چاپ چهارم، قم، بوستان کتاب.
- [۳۴]. لکزایی، علی‌رضا؛ محمدی آشنانی، علی (۱۳۹۴). «گستره تدبر در قرآن مجید». اولین کنگره بین‌المللی علوم قرآن و حدیث، ایران، تهران، ۱۱/۱۱/۱۱ زمستان. ص ۳۰-۴۲.
- [۳۵]. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمه الأطهار. جلد ۸۹، چاپ دوم، بیروت، لبنان، دار إحياء التراث العربی.
- [۳۶]. _____ (۱۳۶۴). کتاب الروضه در مبانی اخلاق؛ ترجمه جلد ۷۴ بحار الانوار. مترجم: سید عبدالحسین رضایی، چاپ دوم، تهران، اسلامیه.
- [۳۷]. _____ (۱۴۰۶). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- [۳۸]. مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۴۱۹). من هدی القرآن تفسیر سور الحمد - البقره - آل عمران. جلد ۱، تهران، دار محیی‌الحسین.
- [۳۹]. مرادی زنجانی، حسین؛ لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۸۶). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم. چاپ دوم، زنجان، قلم مهر.
- [۴۰]. مسعودی پور، سعید؛ سپهری، مهدی (۱۳۹۴). «روش شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، تهران، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۷۹-۹۸.

- [۴۱]. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۳). *آسیب شناسی حدیث*. چاپ دوم، تهران، سمت.
- [۴۲]. مشکینی، علی (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن*، چاپ دوم، قم، الهادی.
- [۴۳]. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). *قرآن شناسی؛ معارف قرآن*. جلد ۲، چاپ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع).
- [۴۴]. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. جلد ۱، چاپ سوم، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۴۵]. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹). «آزادی در قرآن». *بازتاب اندیشه*، قم، شماره ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت، ص ۴۰-۴۲.
- [۴۶]. _____ (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*. جلد ۱، مترجم: علی خیاط و علی نصیری، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.
- [۴۷]. _____ (۱۳۸۶). *التمهید فی علوم القرآن*. جلد ۵، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.
- [۴۸]. معین، محمد (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی (متوسط)*. جلد ۱، چاپ نهم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- [۴۹]. مفید، محمدبن محمدالنعمان العکبری البغدادی (۱۴۱۳). *الإختصاص*. تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- [۵۰]. مقامی، مهدی (۱۳۹۶). *تدبر در قرآن در بیان حضرت آیت الله خامنه‌ای*. مشهد، مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره.
- [۵۱]. میرباقری، محسن (۱۳۸۵). *ظاهر قرآن باطن قرآن*. تهران، محمد.
- [۵۲]. نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۱). *پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن*. چاپ چهارم، تهران، اسوه.
- [۵۳]. نکونام، جعفر (۱۳۷۸). «عرفی بودن زبان قرآن»، *صحیفه مبین*، تهران، شماره ۲۰، پاییز، صص ۱۳-۲۵.
- [۵۴]. یدالله پور، بهروز (۱۳۸۳). *مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن*. قم، دارالعلم.